



در حمایت از روز جهانی آزادی زندانیان سیاسی در ایران

علیه حکومت شکنجه و زندان و اعدام

صفحه ۷

انتخابات ترکیه:

لحظه دیگری از یک روند جدید سیاسی!

محسن ابراهیمی

"تابوها و حرامهایی" که معمولاً احزاب طبقه حاکم بالای سر جامعه آویزان میکنند حمله میکند و بر این اساس برای خود در جامعه توجه و همبستگی و محبوبیت جلب میکند، باید روشن باشد که حتماً در متن و بطن خود جامعه یک تحریک خلاف جریانی عمیقی شکل گرفته است و یک چرخش جدی اجتماعی به چپ در جریان است. چنین واقعیتی

صفحه ۲

ترکیه را بازتابی از نه تنها رشد بلکه تحریک فعال تمایلات چپ - آزادیخواهانه و برابری طلبانه - در جامعه تلقی کرد و از آن به عنوان فرجه ای برای ابراز وجود قدرتمندتر همین تمایلات و نیروهای اجتماعی چپ در جامعه بهره برد. وقتی حزبی به خواسته‌های بنیادی اکثریت مردم مراجعه میکند؛ وقتی حزبی از خواسته‌ها و نیازهای اکثریت محروم و ستم‌دیده و تحت تبعیض سخن می‌گوید؛ وقتی حزبی به

ورود حزب دموکراتیک خلقها به پارلمان ترکیه در انتخابات روز یکشنبه ۷ ژوئن جلوه ای دیگر و خودویژه از یک روند سیاسی جدید است که با سیریزا در یونان آغاز شد و با محبوبیت پودموس در اسپانیا و چشم انداز قدرت گیری اش ادامه دارد. بدون کوچکترین توهم و توهم سازی در باره حزب دموکراتیک خلقها باید رشد محبوبیت این حزب و ورود پیروزمندش به پارلمان

نگاهی دوباره به بحث قدیمی "اتحاد" اپوزیسیون

گفتگوی محمود احمدی با علی جوادی

صفحه ۴

سالگرد رهبر داعشیان جمهوری اسلامی

به محاکمه رژیم جنایتکار اسلامی تبدیل شد!

محمود احمدی

صفحه ۸

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۶۱۲

جمعه ۲۲ خرداد، ۱۲ ژوئن ۲۰۱۵

یادداشت‌های هفته

عمیر تقوایی

پیشرویه‌های جنبش آزادی زن
و حزب الله از رمق افتاده!

نهادینه شدن قاچاق!

ابراز وجود چپ اجتماعی در ترکیه

صفحه ۵

کارگران تعرض جدید حکومت و کارفرمایان
را بی پاسخ نخواهند گذاشت

صفحه ۹

روز ۲۹ خرداد در مقابل استادیوم آزادی
استادیوم ها باید به روی همه باز باشد

صفحه ۹

جعفر عظیم زاده و شاپور احسانی راد،
دو رهبر شناخته شده کارگری آزاد شدند

صفحه ۹

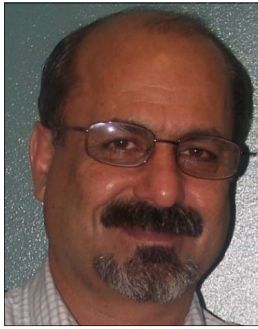
شهرهایی که تا حال به تظاهراتهای
بیستم ژوئن - سی خرداد روز جهانی در
حمایت از زندانیان سیاسی در ایران

پیوسته اند

صفحه ۱۰

انتخابات ترکیه:

لحظه دیگری از یک روند جدید سیاسی!



اینکه حزب دموکراتیک خلقها چقدر به مانیفستش وفادار بماند یا نه، چقدر حضورش در ساختار سیاسی وجه محافظه کارانه اش را تقویت کند یا نه، این اتفاق زمینه ای برای تقویت جبهه عدالت طلبی و آزادیخواهی و سکولاریسم در جامعه ترکیه است.

افزایش محبوبیت، افزایش رای، چرا؟

علاوه بر عوامل دیگر که در طول این مطلب به آنها اشاره شده است، افزایش محبوبیت حزب دموکراتیک خلقها بخشا مربوط به افزایش اثر از سیاستهای حزب اسلامی حاکم و بخشا مربوط به جهت گیری سیاسی خود این حزب است. افزایش محبوبیت و رای این حزب با کاهش محبوبیت و رای حزب اسلامی حاکم رابطه ای مستقیم دارد.

۱- دولت اردوغان و حزب اسلامی "عدالت و توسعه" برای اکثریت مردم بی عدالتی و برای اقلیت میلیاردر توسعه به ارمغان آورده است. به عنوان مجری وفادار سیاست ریاضت اقتصادی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول نقش مهمی در خالی کردن سفره کارگران و راندن بیشتر اکثریت مردم زحمتکش و تهیدست به قعر فقر و تباهی و بالتبع خشم و انزجار و نارضایتی از وضع موجود و دولت و حزب مسئول این وضع داشته است. این یک انتظار واقعی است که اقلیت از این طیف زحمتکشان تهیدست آمال خود را در قدرت گیری حزبی جستجو کنند که از حقوق کارگران، حق اعتصاب و تشکل، بیمه بازنشستگی، تامین امنیت در محل کار، حق مذاکره

رفتن "رشد اقتصادی" (افزایش تعداد میلیاردرها بر دوش فقر و مسکنت توده های مردم) شد. در عرصه سیاستهای اجتماعی و فرهنگی تلاش نافرمانی برای اسلامیزه کردن قوانین جامعه بکار برد. و در عرصه سیاست خارجی و منطقه ای - بعد از یک دوره تلاش ناموفق برای تبدیل شدن به الگوی سیاسی اسلام معتدل - ترکیه را به عضو مهمی از محور ارتجاع اسلامی سنی تبدیل کرد. قدرت گیری هیولای داعش در سوریه و عراق مدیون حمایتهای پدیدریخ باند اسلامی حاکم در ترکیه است.

تا این مقطع صحنه سیاسی ترکیه در بالا و در ساختار سیاسی حاکم محل رقابت و کشمکش سه حزب سنتی بورژوازی ترکیه - حزب جمهوریخواه خلق (حزب ناسیونالیست - سکولار وفادار به آتاتورک)، حزب حرکت ملی (حزب راست، ناسیونالیست و فاشیست) و حزب اسلامی عدالت و توسعه - بود. "به یکباره" حزب دموکراتیک خلقها با مانیفستی که در موارد مهمی با سنتها و برنامه های سه حزب اصلی و مخصوصا حزب حاکم تقابل دارد و از طرف میدیای رسمی به عنوان یک حزب چپگرا معرفی میشود ۸۰ کرسی پارلمان را تسخیر کرد و حزب حاکم را از امکان تشکیل دولت تک حزبی و آزادی تغییر قانون اساسی در جهت قبضه تمام کمال قدرت و پیاده کردن پلانفرم اسلامی و ضد کارگری اش محروم کرد. به این ترتیب صحنه سنتی سیاست در ترکیه عوض شد. اکنون حزبی در پارلمان هست که از یکطرف در قلمرو اقتصاد سیاسی در چهارچوب نظم سرمایه دارانه است و از طرف دیگر علنا تابوهای سیاسی و اجتماعی سنتی بورژوازی حاکم در ترکیه را زیر سؤال برده است.

بی تردید این یک تحول در توازن قوای سیاسی است. مستقل از

گروه فشاری اپوزیسیونی اش را پشت سر گذاشت، حزب سیاسی شد و خود را مستقیما درگیر قدرت سیاسی کرد. چنگ انداختن سیریزا به قدرت در یونان یک گسست تاریخی از روند طولانی سابق بود. با سیریزا روند تازه ای در موقعیت چپ آغاز شد. پودموس در اسپانیا روی همین روند جدید گام بر میدارد. با توجه به مانیفست انتخاباتی، ورود حزب دموکراتیک خلقها به پارلمان در ترکیه نمونه و نقطه دیگری در این روند است. نمونه ای که در عین شباهتهای جدی با نمونه های مشابه حاوی تفاوتی جدی هم هست.

شیفت سیاسی در ترکیه

صحنه سیاسی ترکیه برای سالهای طولانی زیر سلطه نظامیان کودتاچی قدر قدرت متعلق به ناسیونالیسم سکولار وفادار به آتاتورک بود. آنها برای مدت طولانی قابل اعتمادترین نیروی سیاسی تامین کننده امنیت سرمایه بوده اند. یک دهه و نیم پیش در متن فقر گسترده و بیحقوقی اکثریت مردم، در متن نارضایتی وسیع از احزاب حاکم ناسیونالیست - سکولار و خطر خیزشهای کارگری و شورشیهای مردمی، حزب اسلامی "عدالت و توسعه" به عنوان پاسخ سیاسی بورژوازی ترکیه به این وضعیت قدرت گرفت. طنز تلخی است، آنجا که سکولاریسم و آزادی نمایندگان متحزب خود را در صحنه نداشتند، برای دوره ای از یکطرف دیکتاتوری نظامیان به نام سکولاریسم میداندار بود و از طرف دیگر ارتجاع سرکویگرانه اسلامی به نام "دمکراسی" میداناری میکرد.

حزب عدالت و توسعه، در طول ۱۳ سال حاکمیت تک حزبی اش، در عرصه اقتصادی به عنوان مجری سیاستهای ریاضت اقتصادی، دست سرمایه خصوصی را در حمله به معیشت کارگران و توده های محروم باز گذاشت و موجب بالا

سیاسی که بر مبنای راست شکل گرفته اند دارند در استراتژیها و سیاستهایشان تجدید نظر میکنند. تداعی شدن با چپ دارد جای تداعی شدن با راست را میگیرد. سطحی نگری است اگر این تغییرات را فقط یک بازی سیاسی آگاهانه تاکتیکی فرصت طلبانه تلقی کنیم. (لازم به تاکید است که در این نوشته منظور من از چپ گرایشات مبتنی بر عدالت طلبی و آزادیخواهی علی العموم است که نهایتا اصلاحات رادیکال در چهارچوب نظم موجود را دنبال می کنند و نه کمونیسم به معنای جنبشی با هدف پایان دادن به مناسبات سرمایه داری.)

سال ۲۰۱۱ با انقلابات موسوم به "بهار عربی" آغاز شد. انقلاباتی که در آنها کثرت مردم به جنگ قدرت حاکم رفتند اما نتوانستند خود را به قدرت حاکم ارتقا دهند. در کنار و بموازات این انقلابات، خیزشهای اجتماعی - سیاسی علیه دوره طولانی تعرض اردوی نئولیبرال سرمایه خیابانهای بسیاری از کشورها در خود غرب را به صحنه های فراموش نشدنی خیزش ۹۹ درصدیها علیه یک درصدی های حاکم تبدیل کرد. خیزشهایی که دولتها و احزاب حاکم را به مصاف طلبیدند اما نتوانستند خود را در قالب حزب سیاسی سازمان داده و قدرت سیاسی را بدست بگیرند. خیزش هایی که علیرغم عمق آزادیخواهانه و مساوات طلبانه شان اکثرا زیر هژمونی یک آثارشیسم عدالتخواهانه خام به تجربه "دمکراسی توده ای" میدانها "محدود ماندند. از آن فراتر نرفتند و بالتبع نتوانستند قدرت سیاسی را از چنگ "دمکراسی" های مجری سیاستهای ریاضت طلبانه سرمایه داری بازار آزادی در بیاورند. با قدرت گیری سیریزا در یونان، چپ از آسمان ایده آلهایش پایین آمد، دنیای ایدئولوژیک کوچک و متفرق و

محسن ابراهیمی

از صفحه ۱

در عمق جامعه است که به حزبی امکان میدهد که در مانیفست انتخاباتی اش آشکارا علیه ستم و تبعیض و بیحقوقی بر اساس موقعیت اقتصادی و جنیست و مذهب و ملیت سخن بگوید و بر آن اساس محبوبیت کسب کند. ورود پیروزمند حزب دموکراتیک خلق به پارلمان ترکیه در این چهارچوب قابل تحلیل است.

گسستی در یک روند دیرینه!

در تاریخ تحولات سیاسی همیشه مقاطعی هستند که جنبشهایی رو میابند، نیرو جذب میکنند، میداندار میشوند، الگو و مد زمانه میشوند و گفتمانهای سیاسی و روحیات و ارزشها و تمایلات سیاسی را زیر نفوذ خود میگیرند. پیروزی انقلاب سوسیالیستی اکبر در روسیه یکی از این مقاطع تاریخساز بود که به طبقه کارگر و جنبش آزادی و برابری کمونیستی اعتبار تاریخی بخشید و الهام بخش جنبشهای خواهان آزادی و برابری و زندگی انسانی برای سالهای متمادی شد. عروج جنبشهای ملی ضد استعمار در بخش مهمی از نیمه قرن بیست یکی دیگر از این مقاطع بود که سالها انگیزه و الگوی جنبشهای ملی رهاییبخش شد. فروپاشی بلوک شرق یکی دیگر از این مقاطع بود که دمکراسی بازار آزادی را به عنوان جریان و الگو و ارزش حاکم برای دوره ای طولانی به میدان آورد. مقطعی که در آن طیف وسیعی از "چپها" برای حضور در صف راست طرفدار اقتصاد بازار آزاد و دمکراسی اش پای هم را لگد میکردند. امروز روند تازه ای درست برخلاف روند دهه ۹۰ شکل گرفته است. روندی که آغازش انقلابات ۲۰۱۱ و جنبشهای ۹۹ درصدیها برای اشغال میدانها بود. الان نه تنها چپ اجتماعی دارد خود را متحزب میکند بلکه نیروهای

انتخابات ترکیه: ...

از صفحه ۲

دسته جمعی و حقوق بیکاری صحبت میکند.

۲- دولت اردوغان و حزب اسلامی "عدالت و توسعه" با تلاش بی وقفه اما نافرمامش برای اسلامیزه کردن جامعه، هم نگرانی و هم نفرت و ازجار در میان بخشهای زیادی از جامعه را تولید کرده است. این حزب ۱۳ سال است که تلاش میکند ریشه های سکولار جامعه را خشک کند، جامعه را اسلامیزه کند و قوانین و کدهای اسلامی را بر جامعه حاکم کند. آخرین تلاش این حزب برای مقابله با گرایش سکولاریستی جامعه تقاضای مذبحخانه اردوغان در جریان کمیسیون انتخاباتی بود که با قرآنی در دست حزب رقیب را آتیه نیست، مارکسیست، همجنسگرا و دشمن دین اعلام کرد. تقاضای که با کمال تعجب اسلامیون به ضد خودش تبدیل شد.

حزب دمکراتیک خلقها - اگرچه با فرمولبندهای بعضا روشن و بعضا مبهم - خود را با این نگرانی عمیق بخش مهمی از جامعه ترکیه در قبال اسلامیهها درگیر کرده است و علیه جلوه های مختلف و مهم دست درازی مذهب به حقوق مردم سخن گفته است: اعلام مخالفت و نقد دست درازی مذهب به دولت و قوانین و آموزش، تبعیض علیه حقوق زنان و دگرباشان جنسی در این میان برجسته است.

پایان دادن به تدریس اجباری دروس دینی، انحلال اداره امور دینی، کوتاه کردن دستان دولت از مذهب و حوزه ایمان! یک نمونه دیگر است. (این یکی از آن فرمولبندیهای مبهم است. قاعدتا باید گفت کوتاه کردن دست مذهب از دولت و نهادهای عمومی. باید دست دولتی که در قبال جامعه مسئول است به حوزه مذهب و ایمان دراز شود و مانع دست درازی حوزه "ایمان" به زندگی عمومی مردم شود.)

مثال دیگر در این زمینه، حمایت آشکار و بی لکنت زبان از حقوق نه فقط همجنسگرایان بلکه دگرباشان جنسی و برسمیت

شناختن گرایشات جنسی انسانهاست. "ما به تبعیض مبتنی بر جنسیت و سرکوب گرایش های جنسی پایان خواهیم داد." "ما افراد دگرباش جنسی را قادر خواهیم ساخت تا زندگی برابر، عزتمندانه، و انسانی را پیش ببرند." این رد شدن از یکی از خط قرمزهای مهم مذهبی و سنتی و سیاسی است. میدانیم که تعرض به و سرکوب گرایشات جنسی مثل سرکوب زنان به بهانه حجاب بیشتر یک ابزار سیاسی کنترل جامعه از طریق سرکوب بخشی از جامعه است تا وفاداری به اصول اعتقادی و ایدئولوژیک مذهبی و اسلامی. اینجا ما با مصافی آشکار با یکی از تابوهای مذهبی - سیاسی مواجه هستیم.

۳- دیکتاتوری و استبداد: سیاستهای دیکتاتور منشاء و سرکوبگرانه حزب اسلامی "عدالت و توسعه" که نمونه برجسته اش خشونت بیحد علیه معترضین در جریان اعتراض "قری پارک" * بود که قلب آزادیخواهان مردم ترکیه را جریحه دار کرده است. حزب اسلامی "عدالت و توسعه" که از قرار میخواست الگوی اسلام معتدل و صبور و متحمل باشد با خشونت خونین در "قری پارک" نشان داد که حزبی برای سرکوب حرکتهای عدالت طلبانه و آزادیخواهانه در خدمت سرمایه است.

۴- احمدی نژاد مدعی بود که پاکترین دولت تاریخ سیاسی ایران را رهبری میکرده است. اردوغان هم ادعا میکرد "پاکترین دولت" تاریخ ترکیه را رهبری میکند. پرونده یکی از بزرگترین مفاسد اقتصادی و پولشویی با همکاری این دو "پاکترین دولتها". اتفاق افتاده است همه به یاد دارند که دست مهمترین وزرا و آقازاده های "پاکترین دولت" تاریخ ترکیه (همچنین فرزندان خود جناب اردوغان) در پولشویی میلیاردها دلاری برای "پاکترین دولت" جمهوری اسلامی در کار بوده است. (ماجرای رضا ضراب و بابک زنجانی را به خاطر بیاورید.) حزب دمکراتیک خلقها در انتخابات اخیر جامعه ترکیه در مقابل حزبی ابزار وجود کرد که به نام "پاکترین دولت" تاریخ ترکیه یکی از فاسدترین دولت همین تاریخ بود.

۵- حمایت آشکار از یکی از خونخوارترین جریانات تروریستی تاریخ بشر زیر بغل اردوغان و حزیش است. اردوغان و حزیش ترکیه را به کربدور رفت و آمد بیرحمتترین تروریستهای اسلامی تبدیل کرد. تروریستهای اسلامی داعش از اقصی نقاط جهان با حمایت آشکار دولت اردوغان و از طریق ترکیه وارد سوریه و عراق شدند تا سر ببرند و فرمان خونین خدا و رسولش علیه زنان و نوجوانان و همجنسگرایان را پیاده کنند! حمایت آشکار از داعش علیه مقاومت کوبانی اوج این تبهکاری سیاسی اسلامی بود که نه تنها مردم کرد زبان بلکه بخشهای زیادی از مردم ترک زبان را هم از این حزب ارتجاعی منجر کرد.

حزب دمکراتیک خلقها که معمولا شاخه سیاسی پ.ک.ک محسوب میشود، در چنین شرایطی با مانفیسیت انتخاباتیش نظر افشار مختلف مردم را جلب کرد. در مانفیسیت انتخاباتی این حزب که بیشتر غلظت حقوق شهرونی دارد میتوان رنگ ادبیات ناسیونالیستی و مراجعه به هویتهای ملی و قومی را دید. اما علیرغم این، رمز افزایش محبوبیت این حزب در ترکیه دقیقا در این است که خود را یک حزب کردی تعریف نکرده است و کل جامعه ترکیه و مسائل افشار مختلف همین جامعه را که در بالا به آنها اشاره شده است مخاطب قرار داده است. به عنوان سخنگو و نماینده مسائل اکثریت مردم و پاسخ این مسائل ظاهر شده است. به عنوان مدافع حقوق کارگران، زنان، جوانان، بیکاران، کودکان، سالخوردهگان، اقلیتتهای "مذهبی و ملی"، دگرباشان جنسی، مدافع آزادی بیان و محیط زیست یعنی در قامت حزب سیاسی برای کل جامعه ظاهر شده است.

انتظارات و عواقب!

قبل از انتخابات اخیر، حزب اسلامی حاکم دندان تیز کرده بود با کسب اکثریت مطلق در پارلمان راه را برای تغییر قانون اساسی بدون رفتارند باز کند و با افزایش اختیارات رئیس جمهور دست باند اسلامی اردوغان را برای اعمال بی دغدغه سیاستهای حزب اسلامی حاکم - چه در عرصه داخلی و چه در

عرصه جهانی - پیش برد.

سال ۲۰۲۳ صدمین سالگرد تاسیس جمهوری ترکیه است. حزب اسلامی اردوغان خوابهای زیادی برای این سال دیده بود. قرار بود شکوه و عظمت امپراطوری اسلامی عثمانی که در اول قرن بیست از هم پاشید در اول قرن بیست و یک مجددا بازگردد. قرار بود در این سال اردوغان نقش سلطان محمد فاتح را بازی کند. با شکست انتخاباتی حزب اسلامی حاکم قطعا این رویاهای بیمارگونه به کابوس تبدیل شده است.

اگر چه این آرزوهای مایلیولیایی به کابوس تبدیل شده است اما همه چیز - حتی درجه وفاداری حزب دمکراتیک خلقها به مانفیسیتش - تماما منوط به سطح تحرك سیاسی رادیکال در پایین، در میان طبقه کارگر ترکیه، در میان میلیونها مردم سکولار نگران ترکیه است. تحرکی که منشاء اصلی موقعیت جدید حزب دمکراتیک خلقها است.

۱- حزب حاکم اسلامی، اگر چه قبلا هم موفق نشده بود قوانین ترکیه را اسلامی کند و با هر حمله به قوانین سکولار با واکنش قدرتمندی از طرف جامعه سکولار مواجه شده بود، اما امروز دیگر به مراتب دستانش برای اعمال قوانین ارتجاعی اسلامی بسته تر است. رویای بازگرداندن ترکیه به دوران امپراطوری عثمانی توسط اردوغان با اتفاقات اخیر بیش از پیش مسخره تر و مشککتر خواهد شد.

۲- ترکیه تحت حکومت حزب اسلامی اردوغان یک پای مهم از قطب ارتجاع اسلامی سنی به رهبری عربستان بوده است. تضعیف موقعیت داخلی این حزب این نقش را میتواند با دست اندازهای جدی مواجه کند.

مخصوصا باید توجه داشت که در معادلات و جنگ قدرت منطقه ای میان قطب ارتجاع سنی به رهبری عربستان و قطب مقابل به رهبری جمهوری اسلامی ایران این یک احتمال قوی است که حزب دمکراتیک خلقها متاثر از پ.ک.ک وزن ۸۰ نماینده اش را در مقابل سیاستهای خارجی رو به عربستان حزب اردوغان قرار دهد. تردیدی نیست که قطب مقابل کمشکشیهای منطقه ای یعنی جمهوری اسلامی

سعی خواهد کرد به حزب اپوزیسیون اردوغان تا آنجا که به معادلات منطقه ای مربوط است به مشابه امکانی برای تحکیم موقعیت خود نگاه کند. اینکه عملا این محاسبات چقدر به نزدیکی سیاسی واقعی منجر خواهد شد از پیش قابل پیش بینی نیست. برای مثال همانقدر که زنان و نسل جوان و مردم سکولار در ترکیه از نقش لجستیکی دولت اردوغان برای داعش منجر هستند، به همان اندازه هر درجه تداعی شدن حزب دمکراتیک خلقها با جمهوری اسلامی یعنی نسخه شیعی داعش در ایران فقط بی اعتباری برای چنین حزبی بوجود خواهد آورد. روحیات سکولاریستی بخش مهمی از مردم ترکیه از یکطرف و محاسبات تاکتیکی منطقه ای و سیاست خارجی حزب دمکراتیک خلقها در این مورد این حزب را با تناقضات و تصمیم گیریهای سختی مواجه خواهد کرد. در هر صورت با پیشروی و قدرت گیری حزب دمکراتیک خلقها با گرایشات سکولاریستی جدی اش حکومت اسلامی بازنده کل این اتفاق است.

شکاف در بالا و رادیکالیسم در پایین!

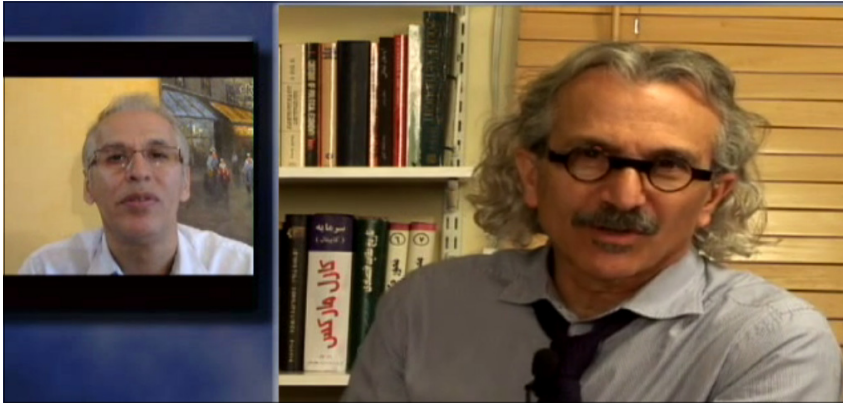
حزب دمکراتیک خلقها الان حزبی در پارلمان است که میخواهد در چهارچوب اقتصادی و اجتماعی موجود اصلاحاتی بوجود بیاورد. مثل هر حزب دیگری در چنین موقعیتی، مستقل از درجه رادیکالیسم اجتماعی و سیاسی اش، دامنه تغییرات مورد نظر این حزب از پیش با مرزهای نظم موجود محدود میشود. حزبی که حتی اهداف استراتژیک خود را فراتر رفتن از نظم حاکم تعریف نکرده است روشن است که نه میخواهد و نه میتواند از آن فراتر برود.

اما همانطور که در ابتدا گفتیم، وارد شدن این حزب به پارلمان، حزبی که بخش مهمی از مشکلات و مطالبات و امیدها و آرزوهای اکثریت مردم را در مانفیسیت انتخاباتی اش گنجانده است خود بازتابی از گرایش و تحرك عمیق آزادیخواهانه و برابری طلبانه در میان اکثریت مردم است.

حزب مورد بحث از این شکاف

نگاهی دوباره به بحث قدیمی "اتحاد" اپوزیسیون

این گفتگو بر مبنای برنامه تلویزیونی برای یک دنیای بهتر تهیه شده است



محمود احمدی: اجازه دهید از تجربه ای که در تورتو پیش آمد، استفاده کنم. شما مطرح میکنید که "اتحاد" اپوزیسیون "حلقه گری نیست چرا که اهداف و سیاستهای متفاوتی دارند. اما سوالی که میتواند در مقابل شما قرار بگیرد این است که بطور نمونه در اعتراض به بزرگداشت سالگرد مرگ خمینی در تورتو برگزار شد، این سومین باری است که ما تاکنون در این زمینه اعتراض کرده ایم، اما امسال نظر به حضور جریانات دیگر موفق شدیم که تظاهرات گسترده تر و به همین اعتبار موثرتری را برگزار کنیم. امسال مساله متفاوت بود، امسال علاوه بر جریانات کمونیست و چپ جریانات راست و سکولار و ناسیونالیست پرو غربی و نمایندگان پارلمان اوتناریو هم در این اعتراضات شرکت کردند. و ما شاهد برگزاری تظاهرات بزرگتری بودیم. آیا میشود به این تجربه رجوع کرد که جریانات متفاوت و با تعلق جنبشی متفاوت تظاهراتی را برگزار کردند که هر کس صف خود را داشت اما هماهنگ عمل شد و نتیجه این بود که جمعیت گسترده تری در این اعتراض حضور پیدا کرد. چرا فکر نمیکنید که این حرکات میتواند الگوی مناسبی باشد، چرا مطلوبیت ندارد، چرا صلاح نیست؟

علی جوادی: مساله ای را اشاره کردید نشان دهنده این واقعیت است

مشارکت با سایر هموعان خود پایه ریزی کند. جامعه ای که در آن اثری از فقر و فلاکت و محرومیت و بی خانمانی و گرسنگی و فحشا و اعتیاد و زن ستیزی و استثمار و کلیه مصائب اجتماعی نباشد. این اردوها اهداف مشترکی ندارند. فصل مشترکی هم ندارند. جنبشهای اجتماعی متعلق به طبقات اجتماعی و متخاصم در جامعه اند. برای دو جامعه، با سیستمهای اقتصادی و سیاسی متفاوت، مناسبات اجتماعی متفاوت، تلاش میکنند. برای دو دنیای متفاوت، دو آینده متفاوت، تلاش میکنند. این جنبشها را نه میشود با هم ادغام کرد و نه میشود با هم جمع کرد. نتیجتاً قبل از آنکه از امکان پذیری اتحاد اپوزیسیون بتوان صحبت کرد باید از عدم مطلوبیت اتحاد اپوزیسیون صحبت کرد. اتحاد اپوزیسیون راست و چپ پدیده ناممکنی است. مطلوب هم نیست. راستش ممکن هم نیست، چرا که اراده ای برای شکل دادن به آن موجود نیست.

اما اجازه دهید به نکته دیگری اشاره کنم. مساله اصلی این است که اتحاد اپوزیسیون حلقه گری در تحولات پیچیده برای سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی نیست. برای خلاصی از نکتت اسلامی ای که بر جامعه حاکم است، مشقاتی بی حدی که بر زندگی مردم حاکم است، این آن حلقه گری نیست که باید در دست گرفت تا راه رسیدن به آزادی و برابری و رفاه انسان را هموار و ممکن

ارودی راست برای یک جامعه سرمایه داری که دارای مناسبات معین و روشن سیاسی و اقتصادی با غرب دارد، تلاش میکند. اینها به دنبال جامعه ای هستند که در آن استثمار بی قید و شرط کارگر آزاد باشد، به دنبال انباشت سرمایه و تحمیل فقر و فلاکت و تحمیل سیاست ریاضت کشی اقتصادی هستند. اینها به دنبال تضمین نابرابری اقتصادی و طبقاتی و حفظ حاکمیت بی حد و اندازه سرمایه بر زندگی و شئون جامعه اند. اینها به دنبال جامعه ای هستند که اکثریت عظیم توده کارکن خود از محصولات تولید شده توسط خود محروم شده است. نظام اقتصادی ای که هدفش تنها و تنها تولید سود برای سرمایه است. جامعه و زندگی مردم را به دست "نامرئی" بازار و مناسبات کور بازار می سپارند و تنها تهدیدشان حفظ مناسبات استثمارگرانه موجود و حفظ حاکمیت طبقاتی شان است.

از طرف دیگر ما جنبش عظیم کمونیسم کارگری را داریم، که حزب کمونیست کارگری بخشی از این نیروی عظیم اجتماعی است. نیرویی که برای استقرار یک حکومت آزاد کارگری، یک جمهوری سوسیالیستی تلاش میکند. جامعه ای که در آن انسان از قید تمامی مناسبات کثیف طبقاتی موجود رها و آزاد شده است. برابر است، آزاد است، مرفه است، از شر مناسبات اسارت آور طبقاتی خلاص شده است. و انسان بمشابه انسان میتواند یک زندگی شایسته انسان را در تعاون و

کرد. این روز باید روز بیان خاطرات بازماندگان قربانیان این ماشین آدمکشی باشد که خمینی در راس آن قرار داشت. بشریت معاصر باید بداند که نقش خمینی در به تباهی و سیاهی کشیدن و نابود کردن زندگی نسلی از مردم چه بوده است. اما به سئوالتان برگردم. آیا اپوزیسیون نمیتواند متحد شود؟ بنظر مساله قبل از اینکه بر سر "امکان پذیری" بودن یا نبودن چنین پروژه ای باشد، بر سر این است که آیا اصولاً چنین پروژه ای مطلوب است یا خیر؟ مساله ممکن پذیر بودن میتواند بعد از پاسخ به مطلوب بودن مطرح شود.

زمانیکه از اپوزیسیون صحبت میکنیم، بحث سریعاً به سیاست و همچنین تمایزات جنبشهای متفاوت اجتماعی برمیگردد. ما دارای سه جنبش اصلی و تعیین کننده در جامعه هستیم. جنبش ملی - اسلامی ها، جنبش ناسیونالیسم پرو غربی محافظه کار و بالاخره جنبش عظیم کمونیسم کارگری. این جنبشها اهداف سیاسی متفاوتی را دنبال میکنند. اجازه دهید سوال مورد بحث را در قبال هر کدام از این جنبشها مطرح کنیم: مسلماً کمتر نیروی سرنگونی طلب، رادیکال و آزادیخواهی بحثی در باره اتحاد و همبستگی با نیروهای ملی - اسلامی دارد. این نیروها برای اصلاح و کلا حفظ رژیم آدمکشان اسلامی تلاش میکنند. پروژه شان کلا اصلاح رژیم اسلامی است و سرمایه سیاسی شان را بر تغییرات درونی و "گام به گام" رژیم اسلامی گذاشته اند. اینها به دنبال اصلاح این هیولای اسلامی هستند. اما تا آنجائیکه به دو جنبش دیگر برمیگردد. اینها علیرغم اینکه عموماً سرنگونی طلب هستند (میگویم عموماً چرا که اپوزیسیون راست کلا با لکنت زبان سرنگونی طلب است)، علیرغم اشتراک در سرنگونی طلبی، اما اهداف کاملاً و عمیقاً متفاوتی را دنبال میکنند.

محمود احمدی: اپوزیسیون تظاهرات موفق در تورتو در مقابل مکان تجمع انجمن اسلامی یورک در رابطه با بزرگداشت بیست و ششمین سالگرد مرگ خمینی رهبر داعشیان در ایران برگزار کرد. این تظاهرات نسبت به سالهای قبل که نیروهای کمونیسم کارگری و سایر نیروهای کمونیست و چپ برگزار میکردند بزرگتر و گسترده تر بود. این بار گروههای مختلف و همچنین برخی نمایندگان پارلمان تورتو نیز در این حرکت اعتراضی حضور داشتند. در اینجا این سوال مطرح است: آیا جریانات سیاسی مختلف که به جنبشهای مختلف اجتماعی تعلق دارند نمیتوانند تظاهرات مشترکی علیه رژیم جمهوری اسلامی برگزار بکنند؟ آیا اپوزیسیون نمیتواند صف واحدی را علیه رژیم جمهوری اسلامی شکل دهد؟ در همین راستا آیا "اتحاد" اپوزیسیون" کلا پروژه ای عملی هست یا خیر؟

علی جوادی: اجازه دهید قبل از اینکه به این سوال پیچیده و چند وجهی و به شدت مطرح پاسخ دهم، به دو نکته اشاره کنم. باید تبریک بگویم به اعتراض موفق و پر سر و صدایی که در مقابل تلاش این مرکز ارتجاعی اسلامی در بزرگداشت خمینی، رهبر اوباش اسلامی در ایران، برگزار کردید. سالگرد مرگ خمینی باید سالگرد محاکمه سمبلیک یکی از جنایتکارترین افراد دوران معاصر باشد. خمینی کسی است که یک ماشین عظیم جنایت و آدمکشی و زن آزاری و ضدیت با خوشی و شادی و انسانیت را سازمان داد. خمینی را باید هر سال به جرم جنایت علیه مردم در ایران محاکمه کرد. خمینی را باید به جرم صدور فرمان اعدام و کشتار و سنگسار و شکنجه شریفترین انسانهای نسلی محاکمه کرد. باید هر سال تاریخ جنایت و ماشین جنایتی را که خمینی رهبری کرد، در اذهان بشریت متمدن زنده

یادداشت‌های هفته

همید تقوایی

ابراز وجود چپ اجتماعی در ترکیه

انتخابات اخیر ترکیه نشان‌دهنده رویگردانی مردم از دولت اسلامی حاکم و گسترش آرمانها و ایده های چپ و مترقی در جامعه بود. البته هنوز حزب اسلامی عدالت و توسعه اکثریت کرسیها را در اختیار دارد ولی دیگر از اکثریت کافی برای تشکیل یک دولت غیر ائتلافی و پیشبرد سیاست افزایش اختیارات رئیس‌جمهور و بویژه اسلامیزه کردن بیشتر جامعه که از اهداف اردوغان بود برخوردار نیست. انتخابات در واقع رویگردانی مردم از حزب اسلامی حاکم و سوق یافتن جامعه به چپ را به نمایش گذاشت.

یک نتیجه این گرایش جامعه به چپ موفقیت حزب دموکراتیک خلقها بود که توانست با ارائه یک مانیفست انتخاباتی و طرح خواستههایی از یک موضع مترقی ۸۰ کرسی پارلمانی را از آن خود کند. بخشهای این پلاتنفرم در مورد حقوق کارگران و زنان و اقلیتها و کودکان و غیره گرچه از حزب عدالت و توسعه و دیگر احزاب راست و چپ سنتی در ترکیه جلو تر است اما هنوز با برنامه یک حزب نه تنها چپ بلکه سکولار و ضد مذهبی بسیار فاصله دارد. حتی خواست پایه ای جدائی مذهب از دولت به صراحت و روشنی در این مانیفست مطرح نشده است. اما بندی در این برنامه انتخاباتی وجود دارد که تا کنون در برنامه حتی چپ ترین احزاب در کشورهای خاورمیانه و اسلامزده وجود نداشته

نهادینه شدن قاچاق!

"متأسفانه سال به سال نسبت به قبل شاهد افزایش کالای قاچاق در کشور هستیم که نشان از نهادینه شدن قاچاق در کشور دارد بدون اینکه فرهنگی برای مبارزه با آن در جامعه تبیین شده باشد".
رئیس خانه اقتصاد ایران

این نهادینه شدن قاچاق خود جزئی از نهادینه شدن اقتصاد مافیائی و فساد همه جانبه در جمهوری اسلامی است. انزوی جمهوری اسلامی از بازار جهانی و بدنبال آن تحریمهای اقتصادی به یک بازار وسیع قاچاق شکل داده است که بوسیله آیت الله ها و سرداران سپاه و باندهای

به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید

پیشرویهای جنبش آزادی زن و حزب الله از رمق افتاده!

حزب الهی های از رمق افتاده برای خود اعتباری کسب کنند.

در مورد همین اطلاعیه دعوت به حضور خونین علیه حضور زنان در استادیوم سخنگوی دولت گفته است "قطعا دولت چنین اجازه ای نخواهد داد و از قوه قضائیه خواسته می شود تا با قانون شکنان برخورد جدی داشته باشد". چندی پیش نیز روحانی گفته بود وظیفه پلیس اجرای قانون است و نه اجرای اسلام! گوئی مساله اینست که آیا حضور زنان در ورزشگاهها غیر قانونی است یا فقط غیر اسلامی است! این جمل آخوندی به زنان و مردان آزاده ای که میخواهند از شر قوانین اسلامی و غیر اسلامی ضد زن خلاص بشوند ربطی ندارد.

ظاهرا دولت روحانی و کل جناح اصلاح طلب خواهان سیاست معتدل تری در قبال زنان است اما این اعتدالگرایی را مردم به حکومت تحمیل کرده اند. اعتدالگرایان امروز همان حزب الهی های دیروز اند که متوجه شدند دیگر قمه چرخانی جواب نمیدهد. برای حفظ نظامشان باید فکر دیگری بکنند. و این فکر دیگر کشیدن یک روکش "تدبیر و امید" بر کل دستگاه شلاق و قصاص و اعدام و سرکوب اسلامی است. از نظر مردم و از نظر زنانی که خواهان احیای حقوق و حرمت و منزلت خود هستند نظام اسلامی حاکم با هر رنگ و لعاب و روکشی یک نظام فاسد ارتجاعی و تا مغز استخوان ضد زن است. زن ستیزی این حکومت را باید در یک عرصه ها، در مبارزه علیه حجاب و علیه اخلاقیات و تابوهای ضد زن و علیه دیوارهای آپارتاید جنسی در خیابانها و مهمانیاها و دانشگاهها و ورزشگاهها به شکست کشید. پاسخ لاپائانات حزب الهی ها حضور وسیع زنان در استادیوم ۱۲ هزار نفری در روز ۱۹ خرداد است.

انصار حزب الله در یک اطلاعیه اینترنتی اعلام کرده است: "منتظر حضور خونین امت حزب الله در ۲۹ خرداد سال ۹۴ در ورزشگاه ۱۲ هزار نفری آزادی هستیم." این تهدید وحشیانه ای علیه حضور زنان در ورزشگاهها است اما تهدیدی است که باروت ندارد. حزب الله هنوز در رویای قمه چرخانیهای گذشته اش علیه زنان سیر میکند اما جامعه قدمهای بزرگی علیه آپارتاید جنسی جلو برداشته است. رواج بدحجابی و بیحجابی - یا در واقع لغو عملی حجاب- که خود مقامات اعتراف میکنند در جامعه هر روز گسترده تر میشود و کاری از آنها ساخته نیست، "هجمه فرهنگی" از طریق ماهواره و اینترنت و تلفن هوشمند که بساط فرهنگ ضد زن اسلامی را در هم ریخته است، رواج یافتن روابط آزادانه دختر و پسر و "آزدواج سفید"، بسیج جامعه علیه اسپدپاشی ها - که یکی از آخرین تلاشهای عبث حزب الهی ها بود- و بالاخره مبارزه پیگیر زنان برای حضور و در مواردی حضور عملی زنان در ورزشگاهها همه اینها دستاوردها و پیشرویهای جنبش آزادی زن در ایران است. جمهوری اسلامی در همه این عرصه ها ناگزیر شده است قدم به قدم عقب بنشیند و به شکست و ناکامی سیاستهایش اعتراف کند.

در این شرایط اطلاعیه کنائی حزب الهی ها بیشتر نشانه استیصال و درماندگی حکومت است تا قدرتمائی و تعرض! این خط و نشان کشیدنها بیشتر در جنگ داخلی باندهای حکومتی با یکدیگر کاربرد دارد تا علیه مردم. دار و دسته های حکومتی زیر فشار اعتراضات و مبارزات زنان و مردم آزادخواه علیه قوانین و سیاستهای ضد زن جمهوری اسلامی بجان هم افتاده اند. از یکسو حزب الهی ها به سوراخ رانده شده اند و اطلاعیه های دن کیشوت مابانه صادر می کنند و از سوی دیگر "اصلاح طلبان" حکومتی تلاش میکنند از طریق مخالفت با "تندروی"

نگاهی دوباره به بحث قدیمی

"اتحاد" اپوزیسیون

از صفحه ۴

که ظاهر ما باید جریان‌ات متفاوت اپوزیسیون را "تشویق" کنیم که در مبارزه علیه رژیم اسلامی فعال‌تر باشند. این واقعیت نشان‌دهنده این است که سازمان‌های کمونیست و چپ و مشخصاً کمونیسم کارگری در صف اول مبارزه علیه رژیم اسلامی قرار دارند. اینکه دیگران در بسیاری از عرصه‌های اعتراضی حضور فعالی ندارند، مشکل ما نیست، مشکل خودشان است. حتماً همینند که هستند و نشان می‌دهند. شاید حضور مداوم و پیگیر ما باعث شده است که این جریان‌ات هم "تکانی" به خود دهند. بنظر میرسد که این جریان‌ات را باید تشویق کرد که رغبت بیشتری در مبارزه علیه رژیم اسلامی از خود نشان دهند.

اما آن پدیده‌ای را که شما بهش اشاره کردید، "اتحاد اپوزیسیون" نا متجانس نیست. یک "هماهنگی"، یک "توافق" در زمین اعتراض علیه حکومت اسلامی است. ما بهیچ وجه مخالفی با این هماهنگی و یا توافق نداریم، برعکس به نوبه خود سهم اساسی در شکل دادن به این "تمدن سیاسی" ایفاء کرده ایم. همواره سعی کرده ایم در مبارزه عمومی علیه جمهوری اسلامی ضوابط و قواعد مبارزاتی و متمدانه روشنی را حاکم کنیم. حق همگان در اعتراض علیه رژیم اسلامی را تثبیت کنیم. حق آزادی بی قید و شرط بیان و اعتراض را تثبیت و این موقعیت را محصول کار خود میدانیم. تظاهراتی که حزب کمونیست کارگری و شاخه‌های مختلف کمونیسم کارگری سازمان داده‌اند، همواره این امکان و آزادی بیان و آزادی اعتراض را برای کلیه مخالفین حکومت اسلامی تضمین کرده است. ما همواره تریبون آزادی برای اعتراض علیه رژیم اسلامی فراهم کرده ایم که مردم معترض بتوانند اعتراض و نفرت و انزجار خودشان را علیه رژیم اسلامی بیان کنند. ما طرفدار مبارزه همه جانبه و گسترده و در عین حال برقراری موازین و ضوابط روشن و

در این اعتراض شرکت داشتند، تلاش داشتند که این اعتراض را به یک "اعتراض دولتی" یعنی اعتراض نمایندگان پارلمان کانادا علیه رژیم اسلامی تبدیل کنند و اجازه ندهند تا جریان‌ات اپوزیسیون صحنه گردان این اعتراض باشند. اما ما اجازه ندادیم این خواست "دولتی" کردن اعتراض علیه بزرگداشت سالگرد خمینی به پیش برده شود. ما توانستیم تضمین بکنیم که تمام جریان‌ات معترض علیه رژیم اسلامی بتوانند سهم خودشان را در این اعتراض ایفا کنند. اما اگر این "هماهنگی" اعتراضی منجر به حضور نیروی وسیعتری در اعتراض شد چرا فکر نمی‌کنید که "همکاری" این نیروها میتواند عرصه را برای رژیم اسلامی تنگ‌تر کند؟

علی جوادی: ببینید اگر بحث "اتحاد" نیروهای نامتجانس را به کنار بگذاریم، و اضافه کنیم که "همه با همی" ممکن نیست. "همه با همی" مطلوب نیست. نتایج مخرب آن را کسانی که با خمینی و اسلامیت‌ها همکاری کردند، دیدند. جریان‌ات ملی - اسلامی که این سیاست را دنبال کردند، خود قربانی این سیاست شدند. من عمیقاً معتقدم که "همه با هم" یک سیاست ارتجاعی و تلاشی برای کند کردن لبه تیز مبارزه ما علیه اسلام، و نابرابری و استبداد و فقر و فلاکت و سرمایه در جامعه است. می‌خواهند سطح مطالبات و خواسته‌های ما را پایین بیاورند، یعنی جامعه و کارگر و مردم را کم توقع کنند تا به کم رضایت دهد، به ذره‌ای تغییر و اصلاحی در وضع موجود رضایت دهد.

محمود احمدی: اما در مقابل خواهند گفت که "همه با همی" مطرح نیست و این جریان‌ات کمونیست و چپ هستند که نظر به "سکتاریسم شان" مانع "همکاری" اپوزیسیون هستند، نمی‌خواهند که صف مشترکی علیه رژیم اسلامی شکل بگیرد، پاسخ شما چیست؟ علی جوادی: ببینید ساده انگاری و تبلیغات مسموم جریان‌ات راست اپوزیسیون را نباید پذیرفت. ساده انگاری و عکس مارکشیسم را نباید با حقیقت سیاسی اشتباه گرفت. نباید اجازه داد که جریان‌ات راست در پناه "احساسات عمومی مردم" برای

وحدت تلاش کنند که پروژه خودشان برای کند کردن مبارزه قاطع و رادیکال و پایه‌ای ما علیه رژیم اسلامی و سرمایه را زیر زیرکی به پیش ببرند. باید حقیقت سیاسی را هر چند که تلخ باشد به روشنی به جامعه و مردم گفت. باید واقعیات سیاسی را با تمام پیچیدگی خودش بیان و ارائه کرد. "همه با هم" و یا "اتحاد اپوزیسیون" برای جامعه و ما سم است. ببینید جریان‌ات راست شاه خودشان را دارند. خدا و شاه و میهن دارند و می‌خواهند شاه خودشان را به تاج و تخت برسانند، این وسط می‌خواهند از نیروی ما و جامعه و طبقه کارگر برای پیشبرد امر خودشان بهره برداری کنند. اینها مساله واقعی شان این است. روزیکه که ما قدرت را بگیریم، با تمام قدرت در مقابل ما و کارگر و اردوی آزادیخواهی و برابری طلبی قد علم خواهند. ما اینها را می‌شناسیم. تاریخشان را میدانیم. کوچکترین توهمی به اهداف و سیاست‌هایشان نداریم. جریان‌اتی مانند مجاهدین هم که رئیس جمهور "منتخب" خودشان را دارند. این تنها ما هستیم که داریم می‌گم، حق انتخاب با مردم است. مردم باید انتخاب کنند. این ما هستیم که می‌گیم مردم باید حاکم بر سرنوشت خود باشند و مقدرات خودشان را در دست بگیرند. یک جریان‌ی می‌خواهد اوضاع سابق را احیاء و ابقاء کند. شاه و شاهزاده خودش را دارد. اقتصادش را دارد، سیاستش را دارد و لاش کنید، ساواک را هم این وسط می‌خواهد به جای ساواما به خورد جامعه دهد. و اگر هم امروز به رای احتیاج دارد، برای این است که بگیرد به شاه من رای دهید. شاه و سلطنت دیگر موهبت الهی نیست، موهبتی است که از قرار باید با رای مردم مستقر شود. بگذریم از اینکه در طول تاریخ این جریان‌ات با کودتا و زهر و توطئه و دخالت نیروهای غربی به قدرت دست پیدا کرده‌اند و یا قدرتش را حفظ کرده‌اند. این ما هستیم که می‌گوئیم جامعه باید آزاد باشد. مردم باید آزاد باشند. آزاد نباید قید و شرطی داشته باشد. انتخاب با مردم است. ما آلترناتیو سوسیالیستی خودمان را مطرح می‌کنیم، و در مقابل جامعه قرار می‌دهیم و اراده آزاد و مطلعانه مردم

را برسمیت می‌شناسیم. اما طرف مقابل به قولی گذشته را به مردم وعده می‌دهد. جریان دیگری می‌خواهد نوعی حکومت اسلامی و نیمچه محجبه را در جامعه ایجاد کند. هر دو هم برای کسب دریافت برگ اعتبار از آمریکا مسابقه گذاشته‌اند. این تنها ما هستیم که می‌خواهیم با اتکا به قدرت مردم و انقلاب کارگری این جامعه را متحول کنیم.

بگذارید باز تاکید کنیم. "همه با همی" ممکن نیست، "همه با همی" مطلوب نیست. بعلاوه حلقه گرهی پیشروی مبارزه علیه جمهوری اسلامی اینجا نیست. جریان‌ات راست تلاش می‌کنند که مساله "اتحاد اپوزیسیون" را بعنوان حلقه گرهی پیشروی جنبش سرنگونی طلبانه توده‌های مردم تعریف کنند، تا بتوانند از این طریق کلاه گشادی سر چپ و رادیکالیسم و کمونیسم و کارگر بگذارند. اما از نقطه نظر ما مساله گرهی پیشروی جنبش سرنگونی رابطه ما با جنبش سرنگونی طلبانه توده‌های مردم و مساله رهبری این جنبش اعتراضی علیه رژیم اسلامی است. حلقه گرهی تامین این رهبری است. ما معمای معضل سرنگونی رژیم اسلامی را در این نقطه می بینیم. ما می‌خواهیم کاری کنیم که این اردوی عظیم دارای رهبری و افق رادیکالی باشد. سازمان یابد. رهبری داشته باشد. افق داشته باشد. مساله این نیست که احزاب متعدد اپوزیسیون به دور هم جمع شوند یا با هم متحد شوند و غیره، مساله بر سر سازمان یافتن و رهبری جنبش سرنگونی طلبانه توده مردم است. مساله ما چگونگی سازمان دادن و به میدان آوردن این توده عظیم سرنگونی طلب است. این مشغله عمومی ماست. موضوع کار ما سازمان‌های اپوزیسیون نیستند، توده عظیم کارگر و مردم آزادیخواه و برابری طلب است. هدف ما این است که این معدن عظیم انفجاری را بهش دسترسی داشته باشیم، سازمانش دهیم و به پیروزی رهنمونش کنیم.

اما اجازه دهید در خاتمه به این نکته هم اشاره کنم که چرا برخی از جریان‌ات راست اپوزیسیون امروزه

انتخابات ترکیه: ...

از صفحه ۳

میان پایینی ها و بالاییها بیرون زده است اما امروز خود عاملی در شکاف بالاییهاست.

جامعه ترکیه امروز دیگر با یک دولت یک پارچه اسلامی که رهبرش در رویای بیمارگونه جلوس بر تخت سلطین عثمانی در قرن بیست و یک در صدمین سالگرد استقرار امپراطوری عثمانی روزگار میگذراند مواجه نیست. این رهبر جاه طلب سرمایه در ترکیه دارد به احزاب اپوزیسیونی که شکستش داده اند التماس میکنند که در تشکیل دولت ائتلافی کمکش کنند. هم اکنون شکافی بزرگ در ساختار و چهارچوب سنتی و سیاسی حاکم شکل گرفته است. شکافی که میتواند به عنوان فرجه ای برای تحریک رادیکالتر و گسترده

تر اکثریت مردم و نیروهای سکولار و آزادیخواه، نیروهای خواهان برابری در پایین عمل کند. ترکیه از یک سنت قدرتمند تشکلهای توده ای رادیکال کارگری برخوردار است. اعتراضات کارگری یک وجه مهم از زندگی سیاسی ترکیه بوده است. ارزشهای سکولار در میان زنان و جوانان ترکیه جا افتاده است. اینها همه جلوه های متنوع چپگرایی در جامعه است که میتواند در فضای جدید خود را به صورت تحریک خیابانی حتی گسترده تر از قبل نشان دهد. میتواند تحریک خیابانی رادیکالتر از گذشته را به سکوی برای سازمانیابی حزبی رادیکال با هدف فراتر رفتن از پارلمان و کل نظم حاکم تبدیل کند. *

بعد التعریر:

تعدادی از فرمولبندیهای مبهم در مانیفست حزب دمکراتیک خلقها: (مشکل فقط فرمولبندی نیست)

"ما هیچ دخالتی در ظاهر و در لباسهایی که منطبق با باورهای دینی افراد هستند، نخواهیم کرد." (مشکل تحملی حجاب بر کودکان در مدارس و اماکن عمومی چه میشود؟)

"در قوانین مجازات و اعدام اصلاحات بنیادی انجام خواهیم داد." (در دنیا و عصری که مخصوصا جریانات اسلامی اعدام و کشتن آگاهانه و عمدی انسانها را به مثابه یکی از مهمترین و حیاتی ترین ابزارهای تداوم حیات سیاسیشان میدانند چگونه میتوان علنا علیه اعدام و در دفاع محکم از لغو این جنایت علیه بشر حرف نزد و مترقی و و انسانی پیشرو ماند؟)

"ما همه باهم یک قانون اساسی جدید مبتنی بر انسانیت و مطابق با ساختار چندهویتی، چند فرهنگی، چند مذهبی و چند زبانی ترکیه

تدوین خواهیم کرد."! "ما اشکال دمکراتیک تمرکز زدایی را به منظور شامل کردن همه هویتهای قومی و تضمین خودمیدرتی آنها تاسیس خواهیم کرد."! (مخصوصا در عصری که شاهدان مستقیم قتل عامها و پاکسازیهها به نام قوم و ملت هنوز زنده هستند چگونه میتوان هنوز از هویت قالبی و تحمیل قومی بر بخشی از مردم سخن گفت؟)

به اینها باید اضافه کرد که مانیفست این حزب هیچ جا از آزادی آنتیستها و کمونیستها و ضد دینها و مذهبها سخن نگفته است! اینها مهم هستند و جا دارد در فرصتی دیگر از نقطه نظر انتقادی دقیقتر مورد تحلیل قرار گیرند.

* رویارویی مردم با حکومت در "قزی پارک" در میدان تقسیم لحظه مهمی از تقابل مردم با

حکومت بود که نشاندهنده شکاف بزرگی میان مردم و حکومت از جنبه های مختلف است. در خیزش "قزی پارک" دو وجه تقابل و کشمکش مردم و دولت در عین حال عمل میکرد. از یکطرف حزب حاکم فضای سبز عمومی را با ساختن یک مرکز خرید و فروش بزرگ به مرکز تجارت و چپاول سرمایه خصوصی تبدیل میکرد و از طرف دیگر با ساختن بزرگترین مسجد اسلامی یکی از مهمترین مراکز تحریک جوانان سکولار را تخریب میکرد. در عین حال، حزب اسلامی حاکم با استقرار مرکز چپاول سرمایه و مرکز مغزشویی اسلامی در میدان تقسیم طبقه کارگر ترکیه را از این میدان تاریخی تظاهرات و نمایشهای باشکوه اول ماه مه محروم میکرد.

در حمایت از روز جهانی آزادی زندانیان سیاسی در ایران

علیه حکومت شکنجه و زندان و اعدام

نگاهی دوباره ...

از صفحه ۶

دم از "اتحاد" میزنند؟ واقعیت این است که نگاه این جریانات به بالا است. نگاه شان به عملکرد دولتهای غربی و متحدین شان است. اینها "تیازی" به سازماندهی اعتراضات مردم ندارند چرا که از این راه به قدرت نزدیک نمیشوند. کمی خراشان دهید به سادگی به شما خواهند گفت که تنها از طریق لشکر کشی غرب و سیاست ارتجاعی "رژیم چنج" امثال بوش میتوانند به قدرت نزدیک شوند. هنوز غم دوران از دست رفته جورج

حزب کمونیست کارگری خواهان برچیده شدن سباط زندان سیاسی و آزادی بیدرنگ و بی قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی است. هیچکس نباید به جرم اظهار عقیده و بیان برپایی اجتماع و اعتراض و اعتصاب در زندان باشد.

مردم آزادیخواه:

زندانیان سیاسی و خانواده های آنها را تنها نگذارید. با تجمع در مقابل زندانها و بیدادگاههای جمهوری اسلامی خواهان آزادی زندانیان سیاسی شوید. به صف اعتراض برای آزادی زندانیان سیاسی بپیوندید و با شرکت در تظاهراتی اعلام شده از جانب کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و یا با سازمان دادن هر نوع آکسیون اعتراضی که میتوانید، فریاد رسای آزادی زندانی سیاسی باشید.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۱ خرداد ۱۳۹۴، ۱۱ جون ۲۰۱۵

است، تا جهانیان بدانند در این سلولها انسانیت به زنجیر کشیده شده است. جرم زندانیان سیاسی در ایران، دفاع از حق و حرمت زنان است، صدها نفر به جرم دفاع از حق پایمال شده کارگر در زندانهای جمهوری اسلامی شکنجه می شوند. صدها کارگر، آموزگار، دانشجو، روشنفکر و مدافع حقوق انسانها، بجرم اظهار عقیده و بیان، بجرم تلاش برای متشکل شدن، بجرم مبارزه برای گرفتن دستمزدهای پرداخت نشده، بجرم پس زدن حجاب اجباری، بجرم افشای چپاول و اختلاسهای میلیاردی سران حکومت، به جرم مبارزه علیه اعدام، به جرم مبارزه برای احقاق حقوق کودکان کار و خیابان، به بند کشیده شده اند.

پیوستن به صف دفاع از زندانیان سیاسی و مبارزه برای آزادی بی قید و شرط همه آنان، پیوستن به صف آزادیخواهی و دفاع از حرمت انسانی جامعه و بخشی از مبارزه برای سرنگونی این حکومت است.

بیستم ماه جون، سی خرداد، روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی در ایران، سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی در زندانهای جمهوری اسلامی و سالگرد جانبختن ندا آقاسلطان است.

جمهوری اسلامی با کشتار مخالفین خود متولد شد. سی خرداد فقط یک روز نیست، یک دوره سیاه از تاریخ سرکوب صدها هزار انسانی است که برای برپایی یک دنیای بهتر علیه سرکوب و خفقان دست به مبارزه زده اند. سی خرداد سالروز تولد واقعی حکومت اسلامی است.

جهان متمنن با مبارزات بی وقفه همین انسانهای آزادیخواه به ماهیت کثیف رژیم اسلامی و افشای جنایات بی شمار آن پی برده است. نه دیوارهای قطور زندان، نه انفرادی و شکنجه، هیچکدام نتوانسته است این فریاد رسای آزادیخواهی را خاموش کند. زندانی سیاسی سمیل مبارزه و صدای بیحقوقی میلیونها مردم ایران علیه جمهوری اسلامی

بوش را میخورند. از این رو است که سیاست خودشان برای تبدیل کمونیسم و کارگر را به تخته پرش شان را در چهارچوب "اتحاد" اپوزیسیون سعی میکنند به خورد جامعه دهند. ما اجازه نمیدهیم. تا کنون کارگر و مردم معترض به علت نبود آترناتیو سیاسی شان در جدال سیاسی جامعه بر سر قدرت تنها توانسته اند نیروی ذخیره جریانات راست شوند. این معادله با حضور کمونیسم کارگری در مساله قدرت سیاسی تغییر کرده است. گذشته چراغ راه آینده نیست. ما آینده را با حضور مستقل و موثر خود در جدال قدرت سیاسی خواهیم ساخت. این راه حل ماست!





سالگرد رهبر داعشیان جمهوری اسلامی به محاکمه رژیم جنایتکار اسلامی تبدیل شد!

محمود احمدی

انجمن مسلمانان یورک کانادا اعلام کرد که در یکشنبه ۳۱ مه ۲۰۱۵ بیست و ششمین سالگرد امام جلالشان، رهبر داعشیان جمهوری اسلامی را گرامی میدارند تا در وصف "عدالت" هیتلر زمانه و بنیان گذار حکومت جهل، تباهی، و سنگسار و اعدام رجز خوانی کند. شرم آور است. جنبش اسلام سیاسی که با حمایت غرب و با قدرت رسیدن جمهوری ننگین اسلامی به جلوی صحنه رانده شده است، در سراسر دنیا در سوریه، عراق، پاکستان، افغانستان، نیجریه، یمن، از طریق دستجات گانگستریش داعش، طالبان، القاعده، بوکوحرام، و حزب اله سر از بدن جدا میکند، دختران خردسال را می رباید و در بازارها بعنوان کنیز میفروشد و به بشریت خون میپاشد. حضرات اعلام کردند که مراسم برای گرامیداشت رهبر هولاکاست اسلامی برگزار میکنند تا از "عدالت" خمینی جلال برای دنیای کنونی بگویند. تشکیلات حزب کمونیست کارگری در کانادا به محض مطلع شدن از این مراسم طی اطلاعیه ای اعلام کرد که آزادیخواهان و کمونیستها این

مراسم را به محاکمه رژیم اسلامی تبدیل خواهند کرد و از مردم دعوت کرد که وسیعا در این تظاهرات شرکت کنند و صدای آزادیخواهی و برابری در مقابل کمپ جنایت و تباهی باشند. این حداقل برای سومین بار بود که انجمن مسلمانان یورک مراسم سالگرد خمینی را گرامی میداشت. و هر بار فعالین کمونیسم کارگری به همراه کمونیستها و آزادیخواهان فعالانه این مراسمها را به اعتراض بر علیه حکومت ننگین اسلامی بدل کردند.

ویژگی تظاهرات ۲۰۱۵ در این بود که طیف وسیعی از احزاب چپ و کمونیست، نهادها، سازمانها و احزاب ناسیونالیست پروغربی و طیفی از گروههای ملی اسلامی و "اصلاح" طلب و یکی از نمایندگان ایرانی تبار پارلمان اونتاریو فراخوان به تظاهرات بر علیه این مراسم دادند. جریانات راست، و طیف ملی اسلامی ها تلاش کردند تا از طریق شکل دادن به یک کمیته غیر علنی حق ابراز آزادی بیان را از جریانات مختلف فراخوان دهنده تظاهرات گرفته، رهبری تظاهرات را در دست گرفته و از طریق یک پودיום مرکزی و

سخنرانی نمایندگان دولتی پارلمان و ملی اسلامی ها، این تظاهرات را از اعتراض شاکیان زنده هولوکاست اسلامی به تظاهرات دولتی نمایندگان پارلمان و "اصلاح طلبان" تبدیل کنند و اجازه سخنرانی به نمایندگان احزاب و نهادها و فعالین مبارزه بر علیه رژیم جنایتکار اسلامی را ندهند.

تشکیلات حزب کمونیست کارگری در کانادا طی تماسهایی با حزب حکمتیست و حزب کمونیست ایران، نهاد مادران بر علیه اعدام و سایر جریانات چپ و کمونیست این تاکتیک را اتخاذ کردیم که چند ساعت قبل از شروع اعلام شده تظاهرات در محل اکسیون حاضر شویم و با بلندگوهای مختلف و در عمل اعلام کنیم که اپوزیسیون کمونیست، چپ و آزادیخواه اجازه نمیدهد که هیچ جریان و گرایش سیاسی حق ابراز بیان و آزادی عمل و اعتراض اپوزیسیون رژیم را محدود کند. بیش از ۶۰۰ نفر از مردم آزادیخواه و شاکیان زنده هولوکاست اسلامی در این اعتراض بزرگ شرکت کردند. شعارهای مرگ بر رژیم اسلامی، خمینی جلال قرن، این مرکز اسلامی و تروریستی را ببندید از گوشه و کنار این

اکسیون و از بلندگوهای مختلف تکرار میشد و هواداران خمینی و شرکت کنندگان در مراسم را مستاصل کرده بود. تعدادی از تظاهرات کنندگان عکسهای خمینی و خامنه ای را به آتش کشیدند. یکی از تظاهر کنندگان که تلاش کرده بود به محل برگزاری مراسم رهبر داعشیان جمهوری اسلامی راه پیدا کند و توسط پلیس دستگیر شده بود با حمایت تظاهر کنندگان آزاد شد.

اکسیون ۳۱ مه ۲۰۱۵ بر علیه رژیم اسلامی یکی از بزرگترین تظاهراتهای مردم آزادیخواه بعد از تظاهراتهای سال ۸۸ در تورنتو بود. شاکیان زنده هلا کاست اسلامی سالگرد مرگ رهبر داعشیان جمهوری اسلامی را به محاکمه رژیم

جنایتکار اسلامی بدل کردند. جریانات مختلف ملی اسلامی، باند اکثریت، توده ای، "شاه" پرستان و رسانه های هوادارشان تلاش کردند که از طریق محدود کردن حق اعتراض آزادی بیان اپوزیسیون رژیم و مردم آزادیخواه، این تظاهرات را به تظاهرات دولتی نمایندگان پارلمان و جریانات ملی اسلامی بدل کنند. این جریانات بار دیگر نشان دادند اگر دست رژیم جنایتکار اسلامی از سرشان برداشته شود از محدود کردن آزادی بیان ابایی ندارند. اما آزادیخواهان و کمونیستها به اتکا به نیروی عظیم جنبش برابری و آزادی اجازه محدود کردن آزادی بیان اپوزیسیون را به آنها ندادند و نخواهند داد. محدودیت آزادی بیان در صفوف اپوزیسیون موقوف!

ضمیمه انترناسیونال ۶۱۲ منتشر میشود:

بحث های پیرامون سیاست سازماندهی

در پلنوم ۴۳ حزب کمونیست کارگری

حمید تقوایی

شهلا دانشفر

اصغر کریمی

کیان آذر

کارگران تعرض جدید حکومت و کارفرمایان را بی پاسخ نخواهند گذاشت

خواهد کرد. در شرایطی که سالانه هزاران اعتصاب و اعتراض کارگری جریان دارد و در شرایطی که حکومت از تامین ساده ترین خواست ها و نیازهای دهها میلیون نفر از کارگران و مردم زحمتکش ناتوان است، کارگران راهی جز تشدید اعتصاب و اعتراض ندارند.

حزب کمونیست کارگری کارگران و رهبران و فعالین کارگری و تشکل های کارگری در سراسر کشور را فرامیخواند این سیاست را محکوم کنند و آنرا در نطفه خفه کنند. طبقه کارگر باید کل نیروی خود را به میدان بیاورد و خود را برای اعتصابات بزرگ و سراسری آماده کند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۸ خرداد ۱۳۹۴، ۸ ژوئن ۲۰۱۵

میلیون ها کارگر جانب کارفرماها را گرفته و هر جا توانسته برای رهبران اعتصابات پرونده ساخته و یا آنها را دستگیر کرده است و از طرفی با بی تامینی بیسکاران شرایطی ایجاد کرده که کارفرما بتواند هر زورگویی و اجحافی را به کارگران تحمیل کند. در عین حال این معنی واقعی سیاست ریاضت اقتصادی دولت و سودجویی کارفرماها از این سیاست را بخوبی نشان میدهد.

طبقه کارگر اما سیاست ممنوعیت اعتصاب در طول حیات حکومت اسلامی را با هزاران اعتصاب پاسخ داده و عملاً این سیاست را در هم شکسته است. این سیاست جدید را نیز که حاصل همراهی آشکار حکومت و سرمایه داران است در هم خواهد شکست و بساط این نوع قراردادهای برده وار را جمع

در متن جدید قراردادهای کار در فازهای ۱۵ و ۱۶ منطقه ویژه عسلویه، قید شده است که در صورت اعتصاب، پیمانکار میتواند با کارگران اعتصابی بدون پرداخت مزد تسویه حساب کند. یعنی پیمانکاران منبهد میتوانند در صورتی که کارگران قراردادی دست به اعتصاب بزنند هم دستمزد کارگران را بالا بکشند و هم کارگران اعتصابی را اخراج کنند.

کارفرمایان این اقدام تازه ضد کارگری و دزدی و سرکوب آشکار را، در پناه قوانین و سیاست های ضد کارگری دولت و زندگی فلاکتباری که جمهوری اسلامی برای کارگران بوجود آورده است، به پیش میبرند. دولت حق اعتصاب را برسمیت نمیشناسد، سالها است نسبت به دستمزدهای پرداخت نشده

روز ۲۹ خرداد در مقابل استادیوم آزادی استادیوم ها باید به روی همه باز باشد

سالن های ورزشی را به روی زنان نیمه باز کنند، در همه استادیوم ها را نه فقط برای برخی مسابقات که برای همه مسابقات حتی در زمان حیات ننگین این حکومت باز خواهد کرد. اینرا مطمئن باشید.

روز ۲۹ خرداد با تمام قوا در مقابل استادیوم آزادی جمع شویم و درهای استادیوم را به روی زنان بازتر کنیم. جمع شویم و تشبثات انصار را نقش بر آب کنیم. این عرصه مهمی از جنگ مردم با حکومت نکبت اسلامی است و برنده این جنگ مردم هستند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰ خرداد ۱۳۹۴، ۱۰ ژوئن ۲۰۱۵

همان زنان و جوانانی که علیه اسیدپاشان و امام جمعه ها و انصار و دیگر اوباش حکومت قد علم کردند و تودهنی بزرگی به آنها زدند و آنها را فلج و زمین گیر کردند، میلیون ها زنی که جریمه شدند، تحقیر شدند، فاحشه خوانده شدند، بازداشت شدند، اما تسلیم نشدند و با قدرت حجاب ها را عقب زدند، میلیون ها زن و جوانی که اسلام و سنت ها و قوانین ارتجاعی را زیر پا گذاشتند و به ریش آیت الله ها و امام جمعه ها خندیدند، حریف انصار شکست خورده و درمانده اسلام هم خواهند شد. امروز این جنبش آزادیخواهانه و عدالت طلبانه مردم است که با قدرت در حال پیشروی است و این حکومتیان اند که در مقابل هم صف کشیده و قدم به قدم در حال عقب نشینی هستند. جنبشی که حکومتیان را وادار کرد تا درهای

فراخوان انصار حزب الله برای مقابله با زنانی که میخواهند برای تماشای مسابقه والیبال ایران و آمریکا وارد استادیوم آزادی شوند، وحشت اوباش حزب الله را به نمایش گذاشته است. قبلاً همه جناح ها و همه اوباش حکومت یکصدا مانع حضور زنان در ورزشگاهها میشدند و امروز تحت فشار جنبش عظیم و قهرمانانه زنان به جناح های مختلف تبدیل شده و علیه هم صف کشیده اند. این شکاف خرد کننده راه را بر حضور پر قدرت زنان در مقابل استادیوم آزادی هموارتر کرده است. مسابقات ورزشی به مخصه ای برای حکومت تبدیل شده است. با تمام قوا باید جمهوری اسلامی را عقب راند و درهای استادیوم ها را بروی همه باز کرد.

جعفر عظیم زاده و شاپور احسانی راد، دو رهبر شناخته شده کارگری آزاد شدند.



امضا بر سر خواست افزایش دستمزدها و نماینده ۱۰۰۰ کارگر در شکایت از غارت و چپاول صندوق سازمان تامین اجتماعی هستند. جعفر عظیم زاده نماینده منتخب کارگران فولاد زاگرس است. این دو فعال محبوب کارگری بدنبال اعتراضاتی در محکومیت دستگیری شان آزاد شدند. از جمله بدنبال دستگیری این دو فعال کارگری، اتحادیه آزاد کارگران ایران طی بیانیه هایی خواستار آزادی فوری آنان از زندان شد و اعلام داشت که در صورت تداوم بازداشت آنها ساکت نخواهد نشست و دست به اقدامات اعتراضی گسترده ای خواهد زد. همچنین طی نامه ای به کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری (آی تی یو سی) نامه داده و خواستار عکس العملی جهانی به این نقض آشکار حقوق کارگران شد. همچنین سایت این اتحادیه همواره آخرین اخبار از وضعیت این دو فعال کارگری را انتشار داد. بعلاوه بعد از دستگیری شاپور احسانی راد کارگران کارخانه لوله و نورد صفا با تشکیل مجمع عمومی بزرگ خود ضمن محکوم کردن دستگیری وی، شاپور را مشاور منتخب خود اعلام کردند و خواستار آزادی وی شدند. همینطور کارگران کارخانه پریرس در اقدامی ستودنی طی نامه ای حمایت خود را از جعفر عظیم زاده به عنوان یک رهبر کارگری که همواره همراه آنها بوده است، مورد حمایت قرار دادند.

با کمال مسرت به اطلاع میرسانیم که بنا بر خبر منتشر شده در سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران روز چهارشنبه ۲۰ خرداد، عظیم زاده بعد از ۱۸ روز و شاپور احسانی راد بعد از ۲۷ روز بازداشت، در مجموع با وثیقه ۲۰۰ میلیونی از زندان مرکزی شهرستان ساوه آزاد شدند.

آزادی جعفر عظیم زاده و شاپور احسانی راد را به این عزیزان، به خانواده هایشان، به اتحادیه آزاد کارگران ایران و به همگان تبریک میگوییم.

جعفر عظیم زاده و شاپور احسانی در جریان اعتصاب کارگران کارخانه لوله و نورد ساوه که در اعتراض به پرداخت نشدن ۵ ماه حقوق معوقه و عدم واریز کردن ۱۷ ماه حق بیمه خود از طرف کارفرما برپا شده بود و ۳۵ روز به طول انجامید، دستگیر شده بودند. شاپور احسانی راد، عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و مشاور منتخب کارگران لوله و نورد صفا با اتهام "تحریک این کارگران به اعتراض" در ۲۶ اردیبهشت دستگیر شده بود. جعفر عظیم زاده رئیس هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران نیز به جرم درج اخبار اعتراضات کارگران لوله و نورد صفا در سایت این اتحادیه در سوم خرداد بازداشت گردیده بود. جعفر عظیم زاده و شاپور احسانی راد دو نفر از هماهنگ کنندگان طومار ۴۰ هزار

از سوی دیگر در این مدت کارزاری برای آزادی جعفر عظیم زاده، شاپور احسانی راد و همه کارگران زندانی در جریان بود. کمپین برای آزادی کارگران زندان امسال نیز با حضور خود در مقابل اجلاس سالانه سازمان جهانی کار و بدست گرفتن عکس های کارگران زندانی از جمله عکس جعفر عظیم زاده و شاپور احسانی راد تلاش کرد صدای این کارگران باشد و ضمن خواست آزادی فوری کارگران زندانی و زندانیان سیاسی بر خواست اخراج حکومت اسلامی به عنوان سرکوبگر مردم ایران از سازمان جهانی کار تاکید کرد.

در تداوم چنین تلاشی در این مدت اتحادیه کارگران پست کانادا و اتحادیه سراسری کارگران در سوئد (ال او) حمایت خود را از کارگران زندانی در ایران و از جمله جعفر عظیم زاده و شاپور احسانی راد اعلام داشتند.

شهرهایی که تا حال به تظاهراتهای بیستم ژوئن - سی خرداد روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی در ایران پیوسته اند

کانادا - تورنتو

زمان: شنبه ۲۰ ژوئن ۲۰۱۵ ساعت

مکان: مل لستمن

برگزارکننده: کمیته علیه اعدام - ایران سولیداریتی - کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

شماره تماس: 6472747149 مهراں محبوبی
babakyazdi2@gmail.com بابک یزدی

کانادا - آتاوا

زمان: ۱۹ و ۲۰ ژوئن ۲۰۱۵ ساعت ۱۱ الی ۱۳

مکان: روبروی پارلمان

برگزارکننده: کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، کارزار بهنام را آزاد کنید

شماره تماس: 8504929-613

soheila_d@hotmail.com

سوئد - استکهلم

تظاهرات و کنفرانس

کنفرانس: روز جمعه ۱۲ ژوئن ساعت 19:00 در ساختمان

سنسوس در میدان Medborgarplatsen

تجمع روز پنج شنبه ۱۸ ژوئن ساعت 17:00 در میدان

Myntorget

برگزارکننده: کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، کارزار بهنام را آزاد کنید

شماره تماس: 46762742081 + ودا ایلکا

سوئد - شلفتو

زمان: ۲۰ ژوئن اعلام خواهد شد.

مکان: Square

برگزارکننده: سازمان میشن فری ایران - مؤگان منصوری
شماره تماس: se.raman@yahoo.com

سوئد - مالمو

زمان: ۲۰ ژوئن ساعت ۱۳

مکان: Triangeln

برگزارکننده: کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، کارزار بهنام را آزاد کنید

شماره تماس: 0703171102 حسن صالحی

سوئد - گوتنبرگ

زمان: جمعه ۱۲ ژوئن ۲۰۱۵ ساعت ۱۸

مکان: لینیه پلاسن ۲۱، سالن اجتماعات ویکتوریا هوست، ساختمان جنب سینما هاگا، طبقه دوم

برگزارکننده: کمیته بین الملل مبارزه علیه اعدام

شماره تماس: 46760907107 + مهسا فعال زاده

اکران فیلم مستند آنها که گفتند نه به کارگردانی نیما سروستانی.

این فیلم علیه اعدام زندانیان سیاسی در سالهای دهه شصت

میپردازد.

سوئد - بروس

زمان: اعلام خواهد شد.

مکان: اعلام خواهد شد.

برگزارکننده: اعلام خواهد شد.

شماره تماس: esmail006@yahoo.se

اسماعیل مردوخی

نروژ - اسلو

زمان: شنبه ۲۰ ژوئن

مکان: اسلو مقابل پارلمان نروژ

آدرس: karl johans gate 22 Oslo

ساعت: 17.00 - 19.00

برگزارکننده: کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، کارزار بهنام را آزاد کنید

شماره تماس: 41333268 سرور کاردار

، 40062665 هادی رحیمی

نروژ - تینگ ول

زمان: شنبه ۲۰ ژوئن

مکان: تینگ ول سنتروم، کوپ بوتیک

برگزارکننده: مادران پارک لاله، سه شنبه های اعتراضی، نه به اعدام، مادران نه به اعدام، کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان

سیاسی

شماره تماس: 91282841 امیر مهدی پور

آمریکا - واشنگتن

زمان: ۲۱ ژوئن ۲۰۱۵، زمان: ۱۴

مکان: Dupont Circle

برگزارکننده: اتحاد برای دموکراسی و حقوق بشر در خاور میانه - اتحاد چپ سوسیالیست - برای آزادی ایران - اتحاد برای

دموکراسی و عدالت در ایران - کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

آمریکا - کالیفرنیا

زمان: ۱۹ ژوئن ساعت: ۱۰ تا بعدازظهر

مکان: دانشگاه یوسی دیویس مقابل Table 22, Coffe house

شماره تماس: 5302200599 شیرین موذن

هلند - آمستردام

تاریخ: ۱۹ - ژوئن

مکان: beursplein

زمان: ۱۶ تا ۱۹

برگزارکننده: کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

حمایت کنندگان نهاد حقوق شهروندی بروجردی

تماس: sharareha713@gmail.com شراره آرام

هلند - روتردام

تاریخ: 13 ژوئن، از ساعت: 14 - 16

مکان: Schouwburgplein

برگزارکننده: کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

هلند - دن هاگ

زمان: ۲۰ ژوئن ساعت ۱۴-۱۶

مکان: هوف پلاسن

برگزارکننده: کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

آلمان - کلن

زمان: شنبه ۲۰ ژوئن ساعت ۱۸ - ۱۷

مکان: دوم پلاسه کلن، مرکز شهر

برگزارکننده: کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

شماره تماس: 01778297841 مهین درویش روحانی

آلمان - هامبورگ

زمان: ۲۰ ژوئن ۲۰۱۵

ساعت: 15:30 - 16:30

مکان: Ida-Ehre-Platz

برگزارکننده: مادران هامبورگ

آلمان - هانوفر

زمان: ۲۰ ژوئن از ساعت ۱۵-۱۸

مکان: مرکز شهر Kröpcke

برگزارکننده: کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

شماره تماس: 491778348592 + ناصر کشکولی

فنلاند

زمان: ۱۷ ژوئن ساعت ۱۳-۱۵

مکان: تاپمیره مرکز شهر

برگزارکننده: کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

تلفن تماس: 0409111190

لطفا اگر مایلید در شهرتان تظاهرات برگزار نمایید با ما تماس

بگیرید

freepoliticalprisoners@gmail.com

جعفر عظیم زاده و شاپور احسانی راد...

از صفحه ۹

است. اما مساله مهم دیگر لغو پرونده های قضایی تشکیل شده برای این دو فعال کارگری است که باید فوراً لغو شود. همچنین جعفر عظیم زاده به همراه جمیل محمدی یکی دیگر از اعضای هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و از هماهنگ کنندگان طومار ۴۰ هزار امضا در اسفند ماه ۹۳ به ترتیب به ۶ سال و سه سال و نیم حبس محکوم شده اند. و کمپین برای آزادی کارگران زندانی بر لغو احکام صادر شده زندان برای این دو فعال کارگری تاکید دارد.

فشار و تهدید بر روی فعالین و رهبران کارگری باید فوراً متوقف شود. احکام صادر شده زندان برای آنان فوراً لغو شود و همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید آزاد شوند.

۲۰ ژوئن روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی فرصت مناسبی است که صدای کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی در سطح جهان باشیم. صدای بهنام ابراهیم زاده که بخاطر بیانیه اعتراضی اش به اعدام ها هم اکنون در انفرادی بسر میبرد باشیم. وسیعاً به این روز اعتراض جهانی بپیوندم.

کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند

۲۱ خرداد ۱۳۹۴، ۱۱ ژوئن ۲۰۱۵

Shahla. Dapeshfar2@gmail.com

http://free-them-now.com

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

ای میل:

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه

منتشر میشود